

میرزا علی اکبر مرندی

آیت الله میرزا علی اکبر مرندی در سال 1314 هـ. ق. در خانواده‌ای بسیار متدین و متقی، در شهرستان مرند چشم به جهان گشود. پدرش، ملاعلی مقدس از علمای وارسته و برجسته آذربایجان بود و به صدق و صفا و علم و تقوا، معروف بود و به خاطر تقدس زیادی که در رعایت امور شرعی و حقوق مردم، حتی در مسائل بسیار جزئی داشت، به «مقدس» شهرت یافته بود. مردم با احترام و تجلیل به این بزرگوار می‌نگریستند و برای رفع مشکلات مادی و معنوی خود، به ایشان مراجعه می‌کردند



ولادت

آیت الله میرزا علی اکبر مرندی در سال 1314 هـ. ق. در خانواده‌ای بسیار متدین و متقی، در شهرستان مرند چشم به جهان گشود. پدرش، ملاعلی مقدس از علمای وارسته و برجسته آذربایجان بود و به صدق و صفا و علم و تقوا، معروف بود و به خاطر تقدس زیادی که در رعایت امور شرعی و حقوق مردم، حتی در مسائل بسیار جزئی داشت، به «مقدس» شهرت یافته بود. مردم با احترام و تجلیل به این بزرگوار می‌نگریستند و برای رفع مشکلات مادی و معنوی خود، به ایشان مراجعه می‌کردند و از او رهنمود می‌طلبیدند. وی حدود سال 1320 هـ. ق. رحلت کرد؛ ولی از خود یادگاری بس ارزنده به جا گذاشت که مورد نظر پروردگار قرار گرفت. این یادگار کسی جز حضرت آیت الله آقا میرزا علی اکبر مرندی نبود.[1]

تحصیلات

آقا میرزا علی اکبر مرندی آموزش‌های اولیه را در محضر پدرش سپری کرد، اما دیری نپایید که از نعمت وجود ایشان محروم شد. او 6 ساله بود که خبر غرق شدن پدرش در خزینه حمام، قلبش را جریحه‌دار ساخت.

او پس از رحلت پدر، دروس مرسوم آن عصر را نزد آقا شیخ محمد حسین رفیعیان و حاج شیخ باقر مجتهدی مرندی، به بهترین وجه آموخت و برای ادامه تحصیلات و طی مراحل عالی حوزوی، به حوزه علمیه تبریز عزیمت کرد و با جدیت و پشتکار تمام و علاقه وصف ناپذیر، به کسب علم پرداخت و محضر علمای نامی آن عصر را درک کرد؛ از جمله آیت الله العظمی حاج میرزا ابوالحسن انگجی (متوفای: 1317 هـ. ق) که آیت الله مرندی عمده تحصیلاتشان در تبریز محضر ایشان بود.[2]

تشریف به عتبات عالیات

آیت الله مرندی با سختی و مشکلات فراوان در تبریز به تحصیل ادامه می‌داد. وی مورد توجه خاص استادان آن جا قرار گرفته بود. با این که حوزه علمیه تبریز در سطح بالای علمی و معنوی قرار داشته، ولی با این همه آوازه حوزه علمیه نجف هر طلبه مشتاق را به خود فرا می‌خواند و این آرزو با امکانات آن روز مشکل می‌نمود، به خصوص وضع مالی و معیشتی آیت الله مرندی این آرزو را امکان ناپذیر ساخته بود؛ اما از آن جا که همه توفیقات از خداست، این توفیق بزرگ نصیب این بزرگوار شد و ایشان به نجف اشرف مشرف شد. وی در این زمینه می‌فرماید:

«من برای چند روز استراحت از تبریز به مرند آمده بودم، مسئول پست شهرستان که مرد متدینی بود به دیدن آمد و صد قران به من داد و گفت: برو به کربلا برای من نایب الزیاره باش. خدمت استادم، آیت الله انگجی رسیدم و این مسأله را با ایشان در میان گذاشتم و ایشان نیز صلاح دیدند این پیشنهاد را بپذیرم. لذا آماده این سفر معنوی شدم. با دو مسافر دیگر در شبکه‌ای کرایه کردیم و رهسپار کربلا شدیم. بعد از زیارت مرقد مطهر ابا عبدالله به نجف اشرف مشرف شدم و بعد از اتمام زیارت، خداوند متعال به دلم انداخت که همان جا بمانم و من حدود شانزده سال آن جا اقامت گزیدم، یعنی از سال 1344 هـ. ق. (1304 شمسی) تا سال 1360 هـ. ق. (1319 شمسی) که در اولین روز ورودم با علامه طباطبایی و الهی طباطبائی آشنا شدم و با آنها هم حجره گشتم.»[3]

اساتید

آیت الله مرندی در استفاده از درس‌های رسمی حوزه نیز جدیت و پشتکار وصف ناپذیری داشت. استادان خارج فقه و اصول او در حوزه علمیه نجف عبارتند از:

1. آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی
2. آیت الله محمد حسینی نائینی
3. آیت الله شیخ علی ایروانی.
4. آیت الله آقا ضیاء الدین عراقی.
5. علامه محمد حسین کمپانی.
6. علامه بادکوبه‌ای.[4]

وی در درس اخلاق آیت الله میرزا ابوالفضل زاهدی قمی نیز شرکت می‌کرد.[5]

در کنار آیت الله خوبی (ره)

آیت الله مرندی با آیت الله خوبی هم دوره بود. الفت و ارادت خاص بین آن دو زیانزد خاص و عام بود. مشهور است که آیت الله مرندی سبب آشنایی و ارتباط آیت الله خوبی با آیت الله آقا میرزا علی قاضی بوده است. امام جمعه محترم شهرستان مراغه می‌گوید: من در این مورد، از خود آیت الله مرندی سؤال کردم. ایشان فرمود: من این ارتباط را بین آن دو بزرگوار برقرار ساختم.[6]

مراجعت به وطن

آیت الله مرندی در سطح بسیار عالی به مراتب علمی و عرفانی دست یافته بود. او علاقه وافری به نجف داشت. خودش در این باره می‌گوید: «بعضی شبها در عالم رؤیا می‌دیدم که از نجف اشرف به زادگاه خود برگشته‌ام، ناگاه سراسیمه از خواب می‌پریدم و وقتی متوجه می‌شدم که این بیش از يك خواب و رؤیا نبوده است و من هم چنان در نجف هستم، سر به سجده شکر می‌گذاردم.» پس از مدتی، این خواب‌ها تعبیر شد و پزشکان تأکید کردند به خاطر کسالتی که ایشان داشت، باید از نجف اشرف بیرون برود. توصیه دوستان و استادان هم که نگران وضعیت جسمانی ایشان بودند، او را مصمم ساخت که به وطن بازگردد. بالاخره او علی رغم میل شدید به حضور در نجف، مجبور شد سال 1320 به آذربایجان برگردد. وی مدتی در حوزه علمیه تبریز به تدریس پرداخت، ولی وقتی دید شهرت و آوازه پیدا کرده است، آن جا را ترك کرد و در شهرستان مرند اقامت گزید.[7]

توطئه توده‌ای‌ها

در دورانی که آذربایجان به دست ارتش سرخ شوروی اشغال شده بود، و حزب توده و حزب دمکرات با تبلیغات گسترده به تخریب و تضعیف اعتقادات دینی مردم پرداخته بودند، آیت الله میرزا علی اکبر مرندی در مقابل آنها قد علم کرد و به افشاگری پرداخت. آنان وی را تحت تعقیب قرار دادند و در صدد کشتن او برآمدند، اما خوشبختانه آیت الله مرندی توسط یکی از ارادتمندان خود، از موضوع مطلع شد و با اصرار آنها به تهران رفت و سرانجام بعد از شکست توده‌ای‌ها، به مرند بازگشت.[8]

یاور نهضت امام خمینی

آیت الله مرندی از سال 1342 همراه و همگام با نهضت امام خمینی - قدس سره - بود. او هنگام تبعید امام به ترکیه، طی اعلامیه‌ای از ایشان دفاع کرد. افرادی که در این راستا تلاش می‌کردند، همیشه مورد حمایت ایشان قرار می‌گرفتند. حجت الاسلام رحمتی می‌گوید:

«... یکی از دوستان ما مرحوم حاج اسرافیل رزّاقی بود که آیت الله مرندی به شوخی به ایشان امّ الاخبار می‌گفتند وایشان اطلاعات گسترده‌ای از اوضاع و احوال تحولات سیاسی داشت و به طور مرتب اخبار مهم سیاسی و اعلامیه‌های علما به خصوص حضرت امام راحل را خدمت آقا می‌رساند و ایشان نیز مورد علاقه و حمایت آقا بود.»[9]

با اوج گیری انقلاب اسلامی در سال 1356 و پیروزی آن در 22 بهمن ماه 1357 آیت الله مرندی نقش اساسی در به صحنه کشاندن مردم و حمایت از تشکیل و تثبیت حکومت اسلامی داشت. پسر بزرگ ایشان می‌گوید:

«در حرکت‌هایی که در شهر انجام می‌گرفت، مردم همین که می‌فهمیدند آقا اطلاعیه داده‌اند، جمعیت به طور گسترده از اطراف به مرند سرازیر می‌شدند و در تظاهرات شرکت می‌کردند.»[10]

آیت الله مرندی همواره از انقلاب اسلامی حمایت می‌کرد. متأسفانه اعلامیه‌های ایشان در حمایت از انقلاب اسلامی در دست نیست، تنها در دو اعلامیه، که در تاریخ 1342/7/2 صادر شده است و علمای بزرگی چون آیت الله حسن الحسینی انجلی، سید محمد بادکوبه‌ای و ... آن را امضا کرده‌اند و یکی هم درباره مجلس شورای ملی و مجلس سنا است، که هر دو اعلامیه موجود است، امضای آیت الله مرندی نیز در اعلامیه‌ها وجود دارد.

در اعلامیه اخیر طی تلگرافی به محضر مراجع تقلید آن روز (آیت الله میلانی، امام خمینی و آیت الله مرعشی نجفی) مراتب تنفر و انزجار خود را از اظهار و عدم صلاحیت مجلس شورای ملی و مجلس سنا و اشخاصی که به نام نمایندگی بر مردم تحمیل شده‌اند، را اکیداً اعلام داشته‌اند.[11]

وفات

«چند روز بعد از عید نوروز بود، در کنار آقا نشسته بودم، هیچ حال نداشتم. به من فرمود: جواد! من سه چهار روز میهمان شما هستم!» آقا ترسشان خیلی زیاد بود. ترس از خدا، همیشه در تفکر بودند؛ دائماً در حال ذکر بودند. اواخر عمرشان این دعا و ذکر جلوه بیشتری پیدا کرده بود. اکثراً ذکرشان کلمه طیبه «لا اله الا الله» بود. اما این اواخر متوجه شدم که آهسته آهسته ذکرهایی می‌گویند. من شبانه روز در محضرشان بودم. دیدم آقا استغفار می‌کنند. يك روز دیدم آرام زمزمه می‌کند: «ظلمت نفسی فاغفرلی!» این حالات ادامه داشت تا این که در ساعت 3 بامداد روز سه شنبه نهم فروردین ماه 1373 (که همیشه در آن موقع برای نماز شب بر می‌خاست) روح بلندش از عالم ناسوت به عالم ملکوت برخاست و برای همیشه این عالم خاکی را ترك گفت و به لقاء الله رسید.[12]

[1] . عارف ناشناخته، صادق حسن زاده، ص 19 - 20.

[2] . عارف ناشناخته، ص 19 - 20.

[3] . همان.

[4] . همان، ص 31 - 32.

[5] . همان.

[6] . همان، ص 38.

[7] . همان، ص 40 - 41.

[8] . همان، ص 41.

[9] . عارف ناشناخته، ص 42 - 43.

[10] . همان.

[11] . متن این دو اعلامیه در جلد سوم «اسناد انقلاب اسلامی»، صفحات 103 و 107 آمده است.

[12] . همان، ص 45.

منبع: اندیشه قم